

بررسی تطبیقی تصویر جنگ جهانی در رمان‌های خون دیگران و سووشون

آسیه راد (کارشناس ارشد زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

assiehassieh@gmail.com

محمدرضا فارسیان (دانشیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

farsian@um.ac.ir

سمیرا بامشکی (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

samira_bameshki@ferdowsi.um.ac.ir

DOI: 10.22067/hs.v5i1i3.78776

چکیده

سیمون دوبوووار و سیمین دانشور از اولین پیشگامان ادبیات زنانه و مدافع حقوق زنان در فرانسه و ایران به‌شمار می‌آیند. این دو نویسنده در اکثر آثارشان به توصیف اوضاع زنان و نقش آن‌ها در جامعه پرداخته و همواره با قلم خود برای احیای حقوق و برابری جنسیتی در جامعه تلاش کرده‌اند و بدین ترتیب در عرصه جهانی مورد توجه عموم قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، با نوشتارهای اجتماعی و سیاسی خود همواره جزو نویسندگان متعهد زمان خود محسوب می‌شوند. گاهی ممکن است شباهت‌ها و تأثیرپذیری‌های دو اثر از یکدیگر ما را به مقایسه آن‌ها وادارد، در حالی که این امکان نیز وجود دارد که دو نویسنده متون مشابه یا نزدیک به هم را در یک حیطه و در رابطه با یک موضوع نوشته باشند که این تشابه ممکن است براساس ذهنیت مشترک یا شرایط اجتماعی تاریخی مشترکی باشد که در آن می‌زیسته‌اند. از همین منظر، در این پژوهش به بررسی مقایسه‌ای تصویر جنگ جهانی دوم در دو رمان *خون دیگران* اثر سیمون دوبوووار و *سووشون* اثر سیمین دانشور بر پایه اصول شاخه‌ای از ادبیات تطبیقی موسوم به تصویرشناسی پرداخته شده است. آنچه که از این تطبیق به‌دست آمده، وجود تصاویر مشابه و متفاوت از یک جنگ مشترک در هر دو داستان است. با وجود فاصله جغرافیایی و فرهنگی بین دو نویسنده، تصاویر به‌دست‌آمده به یک هدف مشترک یعنی پرداختن به موضوع جنگ از جوانب مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی منتهی می‌شود. هر دو نویسنده با ارائه تصاویری همچون مبارزه و شرایط اجتماعی،

چهره جنگ را به خوبی برای خواننده ترسیم کرده و با ساختن تصاویر منفی از جنگ به تقبیح آن دست زده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سیمون دوبووار، سیمین دانشور، تصویر جنگ، ادبیات تطبیقی

۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی، شاخه‌ای از ادبیات است که به بررسی روابط بین ادبیات ملل مختلف، شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آثار نویسندگان و تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر طی دوران‌های مختلف می‌پردازد. بسیاری از منتقدان، کشور فرانسه را خواستگاه ادبیات تطبیقی می‌دانند. برای اولین بار، فرانسوا ویلمن^۱ - یکی از استادان برجسته ادبیات فرانسه در دانشگاه سوربن - اصطلاح ادبیات تطبیقی را به کار برد و پس از او نیز سنت بو^۲ - منتقد مشهور فرانسوی - این اصطلاح را به کار گرفته و رواج داد (حدیدی، ۱۳۷۳، ص. ۱). آنچه که بیشتر از هر چیزی مد نظر نویسندگان این حوزه از ادبیات قرار دارد، آشنایی با ادبیات بیگانه و فرهنگ‌های مختلف جهان و راهی برای رهاشدن از تعصبات ادبیات خودی و ارتباط با ادبیات دیگری است. تاکنون تعاریف بسیاری مطابق با دو مکتب فرانسوی و آمریکایی، توسط منتقدان مختلفی نقل شده است که بیان تمامی آن‌ها در حوصله این بحث نمی‌گنجد. در سال‌های آغازین سده بیستم میلادی بود که نخستین کتاب علمی و جامع در باب ادبیات تطبیقی نوشته شد که نویسنده آن، وان تیگم^۳، یکی از بزرگترین استادان مکتب ادبیات تطبیقی در فرانسه بود. از هم‌عصران این نویسنده که در روی کار آمدن مکتب تطبیقی فرانسوی نقش بسزایی داشتند، می‌توان به ژان ماری کاره^۴ و ماریوس فرانسوا گویارد^۵ اشاره کرد (صالح بک و نظری مقدم، ۱۳۸۷، ص. ۱۰). مکتب فرانسوی بر اصل تأثیر و ارتباطات ادبی استوار است و به ارائه شواهد و مدارک علمی و تاریخی تأکید می‌کند. در حالی که مکتب آمریکایی که در سال‌های پس از

1. François Willemain.

2. Saint-Beuve

3. Paul Van Tieghme

4. Jean-Marie Carré

5. Marius-François Guyard

جنگ جهانی دوم توسط منتقدان آمریکایی شکل گرفت، بر روش نقد مستقیم و بی‌واسطه ادبیات و حیطه ارتباطات و تأثیرات ادبی پایه‌گذاری شد. شایان ذکر است که تفاوت مطالعات ادبیات ملی و تطبیقی در این است که پژوهشگر ادبیات تطبیقی یا را از حوزه ادبیات ملی فراتر می‌گذارد و درصدد شناخت «دیگری» است؛ به عبارتی دیگر ادبیات تطبیقی در هر زمان بر آن است که «خودی» را در آینه «دیگری» ببیند و بشناسد. پژوهشگر ادبیات تطبیقی، «دیگری» را بیگانه نمی‌انگارد (شرکت مقدم، ص. ۶۲-۵۶).

پراور^۱ نیز درباره حوزه مطالعات تطبیقی این‌گونه می‌نویسد که: «مطالعات ادبیات تطبیقی یعنی بررسی وجوه اشتراک و افتراق، منبع الهام یا تأثیر و تأثر بین متون ادبی (از جمله متون نظریه و نقد ادبی) که به بیش از یک زبان نوشته شده باشند، یا مطالعه و بررسی روابط و مراودات ادبی بین دو یا چند جامعه که به زبان‌های مختلف صحبت می‌کنند» (پراور، ۱۳۹۳، ص. ۱۶). دیگر آن‌که ادبیات تطبیقی مانند سایر مباحث علوم انسانی، در مسیر تاریخی خود رشد و تکامل داشته است و نمی‌توان برای آن تعریف یا نظریه‌ای واحد و منسجم ارائه داد (انوشیروانی، ۱۳۸۶، ص. ۶).

در این اوراق برآنیم که به بررسی تصویر جنگ در دو رمان «خون دیگران»^۲ از سیمون دوبووار^۳ و «سووشون» از سیمین دانشور بر پایه تصویرشناسی در ادبیات تطبیقی پردازیم. با تحلیل هر دو اثر و یافتن نقاط مشترک و متفاوت میان این دو، می‌توان به دیدگاه دو نویسنده زن راجع به پدیده‌ای اجتماعی و به روز همچون جنگ، دست یافت.

جنگ واژه‌ای است نام آشنا که از دیرباز تاکنون، ملت‌های مختلفی را تحت تأثیر خود قرار داده است. از این منظر می‌توان گفت تقریباً نیمی از کشورهای جهان، این پدیده را تجربه کرده‌اند و مردمان بسیاری، جان خود را در اثر مشکلات ناشی از جنگ همچون قحطی، نبود بهداشت، گرسنگی و علل مختلف دیگری از دست

1. Salmon Prayer

2. *Le sang des autres*

3. Simone de Beauvoir

داده‌اند. یکی از مهم‌ترین این تأثیرها، به‌وجود آمدن شاخه‌ای جدید در ادبیات بود که در آن نویسندگان و شاعران هر کشوری با قلم خود به پدیده جنگ و آثار ناشی از آن پرداخته‌اند. اصطلاح ادبیات جنگ یا ادبیات مقاومت برای نخستین بار در سال ۱۹۶۶ توسط نویسنده‌ای فلسطینی به‌نام غسان کنفانی^۱ رواج پیدا کرد (ترابی، ۱۳۸۹، ص. ۷). این ادبیات به شرح پایداری و درد و رنج مردمی می‌پردازد که درگیر جنگی ناخواسته شده‌اند. ادبیات جنگ در ادبیات غرب و شرق، نویسندگان بسیاری را طی قرون مختلف به خود اختصاص داده است. همزمان با شروع جنگ‌های جهانی و طی سال‌های پس از آن، شاهد ظهور شاهکارهای ادبی مختلفی در قالب رمان، شعر، داستان و انواع ادبی دیگر در آثار نویسندگان جهان و به‌ویژه نویسندگان غربی بوده‌ایم. در کشور فرانسه نیز نویسندگان بسیاری با الهام از این جریان جهانی به خلق آثاری دست زده‌اند که پس از گذشت سال‌ها نیز همچنان ارزش ادبی خود را حفظ کرده‌اند. رمان خون دیگران نیز یکی از آثار حاصل از جنگ جهانی دوم است که به قلم نویسنده‌ای مسئولیت‌پذیر و بر پایه فلسفه اگزیستانسیالیست نوشته شده است که در ادامه این بحث به شرح بیشتر آن خواهیم پرداخت.

در ادبیات کلاسیک ایران نیز ادبیات جنگ همواره جایگاهی ویژه داشته است که طی زمان دستخوش تغییرات قابل توجهی قرار گرفته است و امروزه می‌توان شاهد پدید آمدن انواع جدیدی در این شاخه بود. مهم‌ترین جنگی که شاعران و نویسندگان ایرانی درباره آن سخن رانده‌اند، جنگ هشت ساله بین ایران و عراق بوده است (ترابی، ۱۳۸۹، ص. ۱۸). در ادبیات جنگی ایران همواره شاهد آن هستیم که نویسنده می‌کوشد اثری آموزنده خلق نماید و به ترویج الگوهای رفتاری بپردازد، اما از آنجا که این آموزه‌ها به طور مستقیم صورت می‌گیرد و با ظرافت و بیانی غیرصریح مطرح نمی‌شود، تأثیری ماندگار در ذهن خواننده ندارد و این نشانی از ضعف نویسندگان ایرانی در حیطه ادبیات مقاومت است (دیکلو، ۱۳۸۹، ص. ۴۴). با این حال آثار بسیاری در این زمینه به چاپ رسیده و تاکنون کارهای علمی مختلفی درباره آن‌ها

1. Ghasan Kanfani

انجام شده است. شاید نتوان رمان *سوشون* که با قلمی قوی و رسا به شرح شرایط مردم شیراز در سال‌های جنگ جهانی دوم می‌پردازد را جزئی از رمان‌های ادبیات جنگ محسوب نمود، ولی با این حال می‌توان توصیفات نویسنده از شرایط جنگ را در این کتاب به‌دست آورد و با جزئیات شرایط مردم ایران در آن زمان بیشتر آشنا شد.

۲. روش پژوهش

در این نوشتار، به بررسی مقایسه‌ای تصویر جنگ در دو رمان نام برده شده، بر پایه‌ی تصویرشناسی^۱ می‌پردازیم. این شاخه از ادبیات تطبیقی که به تازگی در ایران نمود بیشتری یافته، توجه نویسندگان بسیاری در این حیطه را به خود جلب کرده است. از پیشگامان این شاخه می‌توان به دنیل هانری پاژو^۲ و ژان-مارک مورا^۳ که از استادان بزرگ ادبیات تطبیقی و تصویرشناسی هستند اشاره کرد. ژان مورا در مورد یکی از پیشگامان حیطه‌ی تصویرشناسی این‌گونه می‌نویسد: «در فرانسه، حرکت تعیین‌کننده برای چنین تحقیقاتی را ژان-ماری کاره آغاز کرد. بررسی او با عنوان «نویسندگان فرانسوی و سراب آلمان»^۴، بیانگر همه‌ی توجه تحلیلی به تفسیر دوجانبه‌ی ملت‌ها، مسافرت‌ها و سراب‌ها بود» (ژان-مارک مورا، ۱۹۹۹، ص. ۲۰۵). موضوع تصویرشناسی، مطالعه‌ی تصویر «دیگری» و به بیان دقیق‌تر تصویر «فرهنگ دیگری» یا عناصر آن در ادبیات و یا هنر است. به‌عبارت دیگر، تصویرشناسی دانش و روشی است که در آن، تصویرکشورها و شخصیت‌های بیگانه در آثار یک نویسنده یا یک دوره و مکتب مطالعه می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۱). در واقع با توجه به تعاریف داده شده توسط منتقدان این زمینه، تصویر را می‌توان زبان دوم انسانی در نظر گرفت که با استفاده از آن می‌توان پیام‌های مختلفی را از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل کرد و نویسنده می‌تواند از این طریق با خواننده خود ارتباط برقرار کند.

1. L'imagologie
2. Daniel-Henri Pageux
3. Jean-Marc Moura
4. *Les écrivains français et le mirage d'Allemagne*

بنابراین هدف تصویرشناسی، بررسی تصویر خودی در ادبیات دیگری یا فرهنگ دیگری در ادبیات خودی است. لذا در این شاخه همواره تصویرپردازی بین فرهنگی مورد نظر است. آلن مونتاندون^۱ در تعریف تصویرشناسی بر موضوع «دیگری» تأکید می‌کند و می‌نویسد: «تصویرشناسی، مطالعه‌ی بازنمایی‌های بیگانه در ادبیات است» (مونتاندون، ۱۳۷۵، ص. ۲۲۵).

این گفتن از «دیگری» و یا ساختن «تصویر دیگری»، بیشتر بر پایه‌ی دیده‌ها و شنیده‌های یک نویسنده شکل می‌گیرد. تصاویری که در یک متن ارائه می‌شود مطابق دیدگاه نویسنده آن متن ساخته شده است، بنابراین گاهی این تصاویر کاملاً بی‌طرفانه و واقعی نخواهند بود. لذا می‌توان گفت: «تصاویر بینا فرهنگی که در ادبیات بازتاب می‌یابد، چندان معصوم و بی‌طرفانه نیست و همواره متأثر از ایدئولوژی‌ها و پیش‌متن‌ها شکل می‌گیرد. از همین روی، تصاویر ادبی متأثر از تصاویر جمعی و رایجی می‌شوند که از دیگری در جامعه‌ی تصویرساز نسبت به جامعه‌ی تصویرشده وجود دارد» (نامورمطلق، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۷). به‌طور مثال، شیوه‌ی نگاه چندین نویسنده به یک مکان خاص ممکن است باعث ایجاد تصاویر متفاوت یا مشابهی برای خواننده شود؛ چرا که هر یک از این نویسندگان از دیدگاه خاص خود به توصیف این مکان پرداخته‌اند. در این بحث نیز چون دو نویسنده از دو فرهنگ متفاوت و با شیوه‌ی نویسندگی خاص خود به توصیف شرایط حاصل از یک جنگ واحد در دو مکان جغرافیایی دور از هم پرداخته‌اند، می‌توانیم در لابه‌لای این توصیف‌ها به دنبال یافتن تصاویر یک جنگ مشترک در دو سرزمین مختلف، از قلم دو نویسنده زن باشیم، تا بلکه بتوانیم با قیاس این دو اثر با یکدیگر، در سایه‌ی ادبیات تطبیقی به پاسخی برای پرسش‌های این گفتار دست یابیم.

الف. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی از تصویر جنگ در فرهنگ خودی و دیگری وجود دارد؟

ب. هدف این دو نویسنده زن به پدیده‌ی جنگ چگونه توصیف شده است؟

1. Alain Montandon

برای پاسخ‌گویی به این سؤالات، ابتدا نوع نگاه هر دو نویسنده را نسبت به جنگ توضیح داده، سپس تصویر جنگ را از خلال تحلیل هر دو داستان به صورت جداگانه بررسی می‌کنیم. پس از آن با یافتن تصاویر مهم ناشی از جنگ در هر دو داستان، به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها خواهیم پرداخت. در واقع ما به دنبال تأثیرپذیری دو نویسنده از یکدیگر نیستیم، بلکه با استفاده از این مقایسه به دنبال یافتن تأثیر جنگ در ذهنیت و قلم دو نویسنده شرقی و غربی هستیم تا از رهگذر این قلم به آشنایی مختصری با پدیده‌ای فجیع همچون جنگ و تأثیر آن بر ادبیات ملل مختلف دست یابیم. از این رهگذر می‌توان به نقش مهم ادبیات تطبیقی در نشان دادن دیدگاه دو نویسنده در توصیف یک موضوع مشترک و قرابت یا فاصله بین دو فرهنگ متفاوت نیز اشاره کرد. البته نباید فراموش کرد که ادبیات تطبیقی سهم بسزایی در آشتی دادن فرهنگ‌ها و ادبیات ملل مختلف با یکدیگر دارد و این نقش تنها با قیاس‌هایی صورت می‌پذیرد که از خلال یک یا چندین اثر ادبی متفاوت به دست می‌آیند.

۳. پیشینه پژوهش

سیمون دوبووار (۱۹۰۸-۱۹۸۶م) و سیمین دانشور (۱۳۰۰-۱۳۹۰ش)، هر دو از نویسندگان به نام ادبیات فرانسه و فارسی هستند که تحقیقات بسیاری در قالب پایان نامه، مقاله و کتاب روی آثارشان صورت گرفته است. در ایران همچنین تحقیقات زیادی روی آثار این دو نویسنده به‌ویژه در حیطه ادبیات تطبیقی انجام شده است، چرا که هر دو نویسنده به واسطه زنانه‌نویسی و توجه به حقوق و نقش زنان و دفاع از آن با قلم خود، بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. از آنجایی که مطالعات بسیاری درباره کتاب سووشون در ایران انجام گرفته و در اینجا مجال برای بازگو کردن تمامی آن‌ها نیست، به ذکر چندین مثال از این مطالعات بسنده خواهیم کرد. در زمینه پرداختن به موضوع جنگ می‌توان به مقاله «نمودهای جنگ در رمان سووشون از سیمین دانشور و رمان اسیر خشکی‌ها از دوریس لسینگ در پرتو نقد زنانه شوالتر» به قلم لیلی جمالی و راضیه جوانمرد اشاره کرد. همچنین مقاله‌ای در باب جنگ جهانی

دوم به نام «بررسی و تحلیل بازتاب جنگ جهانی دوم در دو رمان سووشون و المصاییح الزرق» از سعید بزرگ بیگدلی، حسینعلی قبادی و حلوه صالح را نیز می‌توان برشمرد. در مورد رمان خون دیگران نیز می‌توان گفت همچون سووشون مطالعات محدودی در زمینه جنگ روی آن صورت گرفته و بیشتر مطالعات صورت گرفته درباره این کتاب، بر پایه فلسفه اگزیستانسیالیسم^۱ است. در این میان می‌توان به کتابی که به نقش زنان در جنگ پرداخته و شامل چندین مقاله به زبان فرانسه و انگلیسی است، اشاره کرد: زنان در مقابل جنگ^۲ نوشته آلیسون فل^۳. یکی از مقاله‌های این کتاب به زبان انگلیسی نوشته شده و به بررسی دو رمان از خلال جنگ می‌پردازد: «خون دیگران از سیمون دوبووار و دوچرخه آبی از رژین دفورژ»^۴. این مطلب را نیز می‌توان اضافه کرد که تاکنون مطالعه‌ای در بستر تصویرشناسی و با مضمون جنگ، بر روی دو داستان سووشون و خون دیگران انجام نشده است.

بررسی تصویر جنگ در خون دیگران اثر سیمون دوبووار

برای آگاهی هرچه بیشتر با آثار یک نویسنده، در وهله اول باید با نگاه او به مسائل پیرامون و عقاید و دیدگاهش آشنا شد؛ چرا که قلم نویسنده بازتاب دهنده افکار او است. سیمون دوبووار یکی از برترین نویسنده‌های سده بیستم میلادی در فرانسه است که به واسطه فمینیست‌گرایی و دفاع از حقوق زنان مورد توجه بسیاری از منتقدین و نویسندگان جهان قرار گرفته است. او را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیشگامان موج فمینیست‌گرایی در قرن اخیر دانست. دوبووار به واسطه آشنایی با سارتر^۵ و تحصیل در رشته فلسفه در کنار ادبیات، خود را یکی از طرفداران فلسفه اگزیستانسیالیسم معرفی کرد (ژناری^۶، ۱۹۵۸، ص. ۱۴). این فلسفه در سال‌های بین دو جنگ جهانی نمود بیشتری پیدا کرد و نویسندگان بسیاری در آثار خود به این

1. Existentialisme

2. Les femmes face à la guerre

3. Alison S. Fell

4. *Le sang des autres* de Simone de Beauvoir et *La bicyclette bleu* de Régis Deforge

5. Jean-Paul Sartre

6. Geneviève Gennari

زمینه پیوستند. بسیاری از آثار سیمون دوبووار نیز با مضمون‌های اگزیستانسیالیستی نوشته شده‌اند و در آن‌ها به شخصیت‌های زن داستان نگاه ویژه‌ای شده است. فضای حاکم بر جامعه آن زمان که دوبووار در آن می‌زیسته است، باعث روی آوردن او به نوشتن مقالات و کتاب‌های بسیاری در زمینه جنگ شد و در نتیجه او توانست نقش بسزایی در مبارزات مردمی داشته باشد و با قلم خود در کنار آن‌ها بجنگد. تأثیرپذیری دوبووار از جنگ باعث می‌شود که روحیه ایده آلیستی و فردگرایانه او با روحیه‌ای جمعی جایگزین شود تا او نیز به نوعی خود را در برابر هم‌نوعان عصرش مسئول بداند.

رمان *خون دیگران* از اولین آثار اگزیستانسیالیستی سیمون دوبووار است که در سال ۱۹۴۵، یعنی در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم منتشر شد. این رمان داستانی پرشور از مبارزه و مقاومت مردم فرانسه در سال‌های اشغال کشورشان توسط ارتش نازی را به تصویر می‌کشد. مضمون اصلی این رمان، مبارزه و مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران است و نویسنده از خلال داستان خود به نیروهای مقاومت ملی فرانسه نیز توجه زیادی نشان داده است. داستان از نگاه دو شخصیت اصلی یعنی ژان بلومار^۱ و هلن^۲، بیان می‌شود. ژان بلومار شخصیت اگزیستانسیالیستی نویسنده است که در طول رمان به‌طور مداوم در کشمکش با خود برای انتخاب مسیر درست زندگی است و در نهایت تصمیم می‌گیرد برای مبارزه در جنگ علیه دشمن و دفاع از حقوق «دیگری»، مسیر مبارزه را پیش گیرد تا مسئولیت خود را در قبال دیگران به اتمام رساند. او با تشویق کردن دوستانش به جنگ، روحیه مبارزه‌طلبی را در آن‌ها زنده نگه می‌دارد.

بلومار گفت: در این جنگ من یاد گرفتم که جلوگیری از خونریزی به همان اندازه ریخته‌شدن خون گناه است. «مبارزه سیاسی نمی‌کنیم. من کشورم را به جنگ نمی‌کشم». حالا این ما هستیم. کافی است، آن مبارزه احمقانه کافی است. به آن

1. Jean Blomar

2. Hélène

زندگی‌هایی فکر کنید که مقاومت و مبارزه ما نجاتشان می‌دهد (بووار، ۱۳۶۸، ص. ۱۲۸).

آنچه که بیش از هر چیزی مد نظر نویسنده است، نشان‌دادن چهره مبارزه در تمام شخصیت‌های داستان و از جمله نقش زنان در این مبارزه می‌باشد. چراکه طی دوران مختلف، زن‌های بسیاری با فداکاری و از خودگذشتگی در کنار مردان جنگیده‌اند و به شیوه خود نقش مهمی را در مبارزات مردمی ایفا کرده‌اند. یکی از اهداف نویسنده، نشان‌دادن مبارزات زنان در این دوران خاص از خلال شخصیت‌های داستان است. برای مثال زمانی که دنیس^۱، یکی از شخصیت‌های زن داستان، برای رفتن به جبهه از ژان بلومارکمک می‌خواهد:

- می‌خواهی به اسپانیا بروی؟
- بله، می‌خواهم به رزمندگان پیوندم. من اینجا چکار دارم که بکنم؟
- ولی این کار بی‌معنی است، تو دلیلی برای انجام دادن آن نداری.
- احتیاجی به دلایل متعدد نیست، زندگی آنقدرها هم باارزش نیست. (بووار،

۱۳۶۸، ص. ۱۰۹)

آنچه نویسنده بیش از هر چیزی به آن توجه نشان داده، تصویر مبارزه‌های مردمی اعم از زن و مرد است که با فداکاری در این راه، تقدس خاصی به مبارزه خود بخشیده‌اند و این تقدس از نگاه بسیاری از نویسندگان دور نمانده است. علاوه بر اینکه مبارزه، تصویر اصلی و مهمی است که نویسنده به خواننده می‌شناساند، به تصویرکشیدن شرایط مردم پاریس نیز یکی دیگر از تصاویر ارائه شده از خلال توصیفات داستان می‌باشد. هم‌زمان با جنگ‌های جهانی و کشته‌شدن میلیون‌ها سرباز در جبهه‌های جنگ، افراد بسیاری در کشورهای اشغال شده در اثر بیماری و قحطی جان باختند. با اشغال پاریس، بسیاری از مردم این شهر مجبور به ترک‌کردن خانه و شهر خود شدند تا از مشکلات ناشی از جنگ در امان بمانند. در بخش‌های پایانی

1. Denise

کتاب، شرایط نابسامان شهر که در شرف اشغال بود، از زبان هلن به‌خوبی توصیف شده است:

هلن دوباره کتابش را بست؛ دیگر نمی‌توانست به خواندن ادامه دهد. نگاهی به آسمان سیاه بالای پانتئون^۱ کرد، هوا طوفانی بود. ولی آن چیزی که خورشید را پنهان می‌کرد ابر نبود، بلکه توده‌ای خاکستر سیاه بود. خبر رسیده بود که تمام مخازن نفت اطراف پاریس می‌سوزند. از دوردست صدای انفجار به گوش می‌رسید و گه‌گاه در صحنه سیاه آسمان خطوط سفیدی به چشم می‌خورد. آن‌ها نزدیک می‌شدند، بر شهر وحشتی اضطراب آلود سایه افکنده بود؛ به زودی آخرین دفاع‌ها هم در هم شکسته می‌شد و آن‌ها به خیابان‌های شهر می‌ریختند. تمام دورادور هلن متروک و خالی از سکنه بود، روی تراس کافه ماهیو^۲ و در خیابان سوفلو^۳ هیچکس به چشم نمی‌خورد. (بووار، ۱۳۶۸، ص. ۱۸۵)

در رمان *خون دیگران*، نویسنده با تکیه بر اصول فلسفه اگزیستانسیالیستی و با قلمی زنانه به توصیف شرایط کشور و مردمی پرداخته که ناگزیر وارد جنگی بزرگ شده‌اند. سیمون دوبووار که خود نیز این شرایط را از نزدیک دیده و درک کرده است، با استفاده از تجارب شخصی خود در سال‌های اشغال فرانسه با قلمی رسا و روان به خلق داستانی از مردمان سرزمینش دست زده و برخی از شخصیت‌های داستانش را از میان شخصیت‌های واقعی زندگی خود، برگزیده است.

بررسی تصویر جنگ در *سوشون* اثر سیمین دانشور

سیمین دانشور، نخستین زن رمان‌نویس تاریخ ایران است که تاکنون چهار مجموعه داستان کوتاه و سه رمان از او به چاپ رسیده است. در این میان

1. Panthéon
2. Mahieu
3. Soufflot

معروف‌ترین رمان او، *سروشون*، که سرآغازی جدید در نوشتار رمان فارسی محسوب می‌شود، در سال ۱۳۴۸ منتشر و پس از آن بارها تمديد چاپ شده است. سیمین دانشور نیز از نخستین افراد حامی حقوق زنان و برابری زن و مرد در ایران بود و در بسیاری از کتاب‌هایش وضع زندگی زنان جامعه خود را به تصویر کشیده است. در دهه‌ای که دانشور رمان *سروشون* را منتشر کرد، نویسندگان به دلیل استبداد و خفقان حاکم بر جامعه، دچار یاس و ناامیدی شده بودند ولی دانشور همواره همگی را به راه مبارزه و امیدواری تا رسیدن به آزادی و عدالت فرا می‌خواند. او در این باره می‌گوید: «دلَم می‌خواهد وقتی همه در قعر ناامیدی هستند، من امیدوار باشم...» (دهباشی، ۱۳۸۳، ص. ۹۹). یاس و ناامیدی ناشی از جنگ، فضای خفقان‌آور جامعه و شرایط سخت زندگی مردم که تحت سیاست نادرست حکومت وقت شکل گرفته بود، به بهانه‌ای برای دانشور بدل شد تا بتواند به خوبی این شرایط را در داستان خود بگنجانند و با به تصویر کشیدن مشکلات آن دوره، مردم را از خواب غفلت بیدار و راهی برای مبارزه باز کند.

دانشور به دور از اندیشه‌های حزبی، مبارزه را راهی برای رسیدن به آزادی و استقلال مردم و جامعه می‌داند و از نظر او این مبارزات باید براساس روشن‌بینی و روشن‌فکری توسط افراد آگاه سازمان داده شوند. دهباشی به نقل از دانشور می‌نویسد: «دستگاه امپریالیسم حاکم، ترس عظیمی از کمونیست داشت؛ به همین دلیل، این اعتقاد کمابیش در مملکت به وجود آمد که تنها تعهد، تعهد مارکسیستی است». با این وجود دانشور از پیوستن به احزاب سیاسی می‌پرهیزد چراکه برای این کار دلایل خاص خود را دارد: «من نمی‌توانم فعال سیاسی باشم، چون به اندازه کافی نظم و اعتقاد ندارم و باید دریچه‌های ذهنم را بر روی همه جریان‌ها باز بگذارم» (دهباشی، ۱۳۸۳، ص. ۲۴۵). از این سخنان این‌گونه برمی‌آید که دانشور با وجود مخالف بودن با احزاب سیاسی و گروه‌های مبارز آن زمان که بر پایه ایدئولوژی خاص خود می‌جنگیدند، به مبارزه و آزادی و تن‌دادن به اسارت اعتقاد داشت. بر همین اساس، مبارزین راه آزادی را به امیدواری و مقاومت تشویق می‌کرد و در کتاب *سروشون* با

زنده نگه داشتن آیین‌های ملی و مذهبی ایرانی سعی در آگاهی‌دادن به مردمی دارد که غرق در ناامیدی حاصل از جنگ و جریان‌های سیاسی بودند. در واقع دانشور نیز همچون بووار، اعتقادات خود از جنگ و مبارزه را از طریق این داستان‌پردازی به خواننده منتقل کرده است. انعکاس این اعتقادات را می‌توانیم در سخنان یوسف که شخصیت اصلی رمان سووشون می‌باشد، بیابیم: «مارکسیسم و حتی سوسیالیسم، شیوه فکری مشکلی است که تعلیم و تربیت دقیق می‌خواهد و تطبیق آن با روحیه و زندگی و روش اجتماعی ما، مستلزم پختگی و وسعت نظر و فداکاری بی‌حد و حصر است» (دانشور، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۶).

در شرایطی که دولت ایران نسبت به این جنگ اعلام بی‌طرفی کرده بود، نیروهای متفقین و به‌ویژه انگلیسی‌ها به بهانه تأمین مواد غذایی و اسلحه از طریق ایران برای روسیه، قسمت‌هایی از جنوب ایران را اشغال کرده بودند. در نتیجه در داخل کشور شرایط نابسامانی برای مردم و کشاورزان به‌وجود آمده و قحطی و بیماری تمام کشور را فرا گرفته بود. سیمین دانشور با قلم خود، شرایط سخت زندگی مردم فارس و مبارزه آن‌ها علیه بیگانگان را به تصویر کشیده است (اسحاقیان، ۱۳۹۳، ص. ۸). این رمان در نشان‌دادن شرایط اجتماعی و سیاسی آن زمان موفق بوده است. از نمونه‌های این اوضاع آشفته می‌توان به فساد و بی‌توجهی درباریان و نیروهای داخلی اشاره کرد که بدون در نظر گرفتن شرایط سخت زندگی مردم شهر، با باج‌گیری و همکاری با نیروهای بیگانه، در رفاه زندگی می‌کنند. نمونه این‌گونه رفتارها را می‌توان در فصل آغازین رمان، در شب عقدکنان دختر حاکم که از زبان زری توصیف می‌شود، یافت:

آن روز، روز عقدکنان دختر حاکم بود. نانوایان باهم شور کرده بودند و نان سنگکی پخته بودند که نظیرش را تا آن وقت هیچ‌کس ندیده بود، زری می‌اندیشید: «در چه تنوری آن را پخته‌اند؟ چانه‌اش را به چه بزرگی برداشته‌اند؟ چقدر آرد خالص مصرف کرده‌اند؟ آن هم به قول یوسف در چه موقعی؟ در موقعی که می‌شد با همین یک نان یک خانوار را یک شب

سیر کرد. در موقعی که نان خریدن از دکان‌های نانوايي کار رستم دستان بود. (دانشور، ۱۳۶۰-۱۳۶۵، ص. ۶)

در نتیجه این توصیفات، خواننده می‌تواند از طریق تصویری که نویسنده از اوضاع ایران آن زمان ساخته است به نوعی آگاهی از شرایط آن دوره و سختی‌هایی که بسیاری از مردم را از پای درآورده بود دست پیدا کند. به دنبال به وجود آمدن شرایط سخت زندگی برای مردم شهر، بسیاری از آن‌ها به مبارزه برخاسته تا کشورشان را از وجود بیگانگان پاک کنند. گاهی نمود مبارزه در دو فرهنگ مختلف می‌تواند متفاوت باشد. در جای‌جای رمان می‌توان نمود مبارزه را در رفتار و سخنان بیشتر شخصیت‌های داستان مشاهده کرد. نویسنده، در وهله اول یوسف را به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین شخصیت داستان و فردی که با تمام وجود در برابر بیگانگان ایستادگی می‌کند، به خواننده می‌شناساند. تلاش او برای همسو کردن دیگران با خود و ایستادگی در برابر نیروهای بیگانه برای رهایی از فقر و مصیبت، نشان‌دهنده مبارزه شجاعانه او مقابل دستگاه حاکم و زورگویی بیگانگان است. یوسف با نكوهش افرادی که با بیگانگان همکاری می‌کنند و دعوت آن‌ها به بازگشت از راهی که در پیش گرفته‌اند، اطرافیانش را به‌سوی مبارزه و پایداری سوق می‌دهد. او در گفت‌وگو با دوستانش چنین می‌گوید:

برای پدران ما آسان‌تر بود و اگر ما نجنبیم برای پسران ما سخت‌تر می‌شود. پدران ما با یک مدعی طرف بودند و متاسفانه در برابرش تسلیم شدند و حالا ما با دو مدعی طرف هستیم. فردا مدعی تازه نفس سوم هم از راه می‌رسد و پس فردا مدعیان دیگر... همه‌شان به مهمانی بر سر این سفره... (دانشور، ۱۳۶۰، ص. ۱۹۸)

بسیاری از منتقدان، رفتار یوسف را به‌عنوان قهرمان اصلی کتاب، نوعی مبارزه وطن‌پرستانه در قبال همشهری‌هایش می‌دانند که با مرگ خود راه مبارزه را برای دیگران هموار می‌کند. حسن میرعابدینی در این باره می‌نویسد:

یوسف، خان روشن فکر و متکی به ارزش‌های بومی، حاضر نیست با فروش آذوقه به بیگانگان به وسعت قحطی بپردازد. یوسف تمثیل آگاهی ملی است... می‌خواهد در سرزمینی که پهلوانانش اخته شده‌اند (له‌شدن) و حتی امکان مبارزه هم باقی نمانده است، قهرمان شود... فردی در خواب‌های آشفته‌اش او را سیاوش دیگری می‌بیند، داستان بعدی اساطیری نیز می‌یابد. عاقبت روزی جسد یوسف را می‌آورند. اشغال‌گران این نقطه مقاومت را از پای درآورده‌اند. مرگ یوسف، وجود هر فرد ایرانی را از تردید می‌پیراید. آخرین فصل رمان توصیفی قوی از تشییع جنازه یوسف و یکی از مهم‌ترین وصف‌های حرکت مردم و درگیری آن‌ها با نیروهای امنیتی بدل می‌شود. (میرعابدینی، ۱۳۶۹، ص. ۷۸-۸۲)

یکی دیگر از نقاط قوت این رمان، توجه دانشور به نقش پررنگ زنان به مثابه قهرمان است که قصد دارد نقش زنان را فراتر از همیشه نشان دهد. او با ساختن شخصیت زری، تصویر یک زن کاملاً ایرانی را در بستر مشخصی از تاریخ به خواننده منتقل کرده است. زری که در ابتدای رمان زنی محدود و مخالف جنگ است، طی روند داستان به شخصیتی متفاوت بدل می‌شود تا نقش خود را به‌عنوان یک زن در کنار همسرش برای مبارزه ایفا کرده باشد. عشق او به همسر و فرزندانش و تلاشی که برای ممانعت از یوسف در راه مبارزه وجود دارد، نمونه‌ای از توصیفات نویسنده برای به تصویر کشیدن یک زن فداکار ایرانی است. «یکی از دغدغه‌های زری حفظ کیان خانه و خانواده است. او از هر آنچه جان اعضای خانواده و آرامش لازم برای خانواده را تهدید کند، نگران است. مهم‌ترین تهدید از رهگذر پیامدهای جنگ جهانی و ورود و حضور نیروهای انگلیسی در شهر ممکن می‌شود. کشور و شهر برای زری همان محدوده خانه اوست که باید از آسیب بیگانگان ایمن باشد (اسحاقیان، ۱۳۹۳، ص. ۳۴).

هرکاری می‌خواهند بکنند اما جنگ را به خانه من نیاورند.
شهر من، مملکت من، همین خانه است، اما آن‌ها جنگ را به
خانه من هم می‌کشانند. (دانشور، ۱۳۶۰، ص. ۱۸)

در پی حوادثی که در کشمکش داستان روی می‌دهد، زری با فاصله‌گرفتن از شخصیت همیشگی‌اش و با ورود به اجتماعی که تا آن زمان از دید او دور مانده بود، وارد مسیر تازه‌ای از زندگی می‌شود تا ادامه‌دهنده و تکمیل‌کننده مبارزه یوسف باشد. این تغییرات را در بخش‌های پایانی رمان می‌توان مشاهده کرد: «می‌خواستم بچه‌هایم را با محبت و در محیط آرام بزرگ کنم؛ اما حالا با کینه بزرگ می‌کنم. به دست خسرو تفنگ می‌دهم» (دانشور، ۱۳۶۰، ص. ۲۵۲). بنابراین، زری که در ابتدا زنی محتاط و محافظه‌کار است و تمام تلاشش را برای دورکردن خطر از خانواده‌اش می‌کند، با دیدن شرایط نامناسب مردم شهر و در پایان با کشته‌شدن یوسف، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به زنی بدل می‌شود که نمی‌تواند در مقابل ظلم و زورگویی دشمنان سکوت کند و استقلال خود را به دست می‌آورد تا بتواند نقشی در سرنوشت کشورش برای رهایی از جنگ، ایفا کند.

۴. بحث و بررسی

با توجه به توضیحاتی که درباره دو داستان «خون دیگران» و «سو و شون» ارائه شد، به تصویری کلی از جنگ و تأثیراتش، از خلال هر دو داستان دست یافتیم. با توجه به اینکه این گفتار بر پایه ادبیات تطبیقی نوشته می‌شود، با انتخاب تعدادی از شباهت‌ها و تفاوت‌های میان این دو کتاب، چگونگی تصویر جنگ را از ورای دیدگاه دو نویسنده شرقی و غربی بررسی خواهیم کرد.

۴. ۱. شیوه متفاوت دو نویسنده در ساختن تصویر جنگ

برای ساختن یک تصویر، شیوه بیان و نوشتار آن می‌تواند متفاوت باشد. با توجه به اینکه هر فرد، مطابق با نوع نگاهی که در رابطه با یک موضوع دارد، تصویری جداگانه از سایر افراد می‌سازد، در نتیجه شیوه بیان و توصیف این تصویر نیز متفاوت

خواهد بود. در دو داستان حاضر، با توجه به اینکه هدف هر دو نویسنده ارائه تصویری مشترک از جنگ است ولی شیوه نوشتار آن‌ها برای ساختن این تصویر متفاوت است. شیوه بیان نویسنده با نوع تصویر ساخته شده رابطه مستقیم دارد؛ چراکه خواننده براساس این نوع تصویرسازی می‌تواند برداشت مثبت یا منفی از مطلب داشته باشد. سیمون دوبووار و سیمین دانشور به شیوه‌ای واقع‌گرایانه، تصاویر مشترکی از جنگ در دو جامعه متفاوت را به خوانندگان خود منتقل کرده‌اند. هر چند در بیان این تصاویر به دنبال هدف مشترکی بوده‌اند، ولی نحوه بیان و توصیف تصویر این پدیده اجتماعی با توجه به اعتقادات و فرهنگ آن‌ها متفاوت بوده است.

سیمین دانشور در بستری از واقعیات، با زبانی رمزگونه و با استفاده از نمادها و اسطوره‌های ملی و مذهبی ایرانی، تصویری گیرا از واقعیت جنگ را به خواننده منتقل کرده است. دانشور با گنجانیدن مفاهیم اسطوره‌ای و مذهبی در قالب شخصیت‌های داستان، با زبانی نمادین به شرایط آشفته اجتماع آن زمان اشاره کرده و با این روش روحیه آگاهی و مبارزه‌طلبی را در مردم بیدار کرده است. «نویسندگان در حوزه رمان، اسطوره را مناسب‌ترین ابزار برای پرورش داستان‌های خود دانسته‌اند؛ چرا که هم کارکرد زیبایی‌شناسانه دارد و هم می‌توان گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی را با استفاده از آن انعکاس داد. نمادهای اسطوره‌ای به دلیل مبهم و چندپهلوبودن و قابلیت بسیار برای حمل معانی و مفاهیم کلان و فرازمانی و ازلی‌بودن، بهترین ابزار انتقال این مفاهیم بوده‌اند» (علیجانی، قبادی و بزرگ‌بیگدلی، ۱۳۹۳، ص. ۱). تشبیه کردن یوسف به سیاوش که قهرمانی اسطوره‌ای در شاهنامه محسوب می‌شود، یکی از مثال‌های بارز این شیوه بیان دانشور است. در این داستان یوسف نیز همچون سیاوش، در مبارزه‌ای شجاعانه با دشمنان، مظلومانه کشته می‌شود و در جای دیگر رمان، نویسنده یوسف را همچون یوسف پیامبر می‌داند که برای نجات مردم شهر از قحطی تلاش می‌کند و می‌توان گفت انتخاب اسم یوسف برای قهرمان اصلی کتاب نیز حالتی نمادین دارد. بارزترین ویژگی نمادگرایانه رمان سوشون، به اسم رمان برمی‌گردد که به مراسم عزاداری سیاوش «سوگ سیاوش»، در شاهنامه فردوسی اشاره دارد. هدف نویسنده از

این انتخاب، زنده کردن آیین‌های کهن ایرانی در داستان برای تحت تأثیر قرار دادن هرچه بیشتر خواننده بوده است.

سیمون دوبووار نیز برای ساختن تصویر جنگ و انتقال مناسب آن به خواننده، با گنجاندن مضمون‌های فلسفه‌اگزیستانسیالیستی در داستان خود و ساختن شخصیت‌های اگزیستانسیالیست، در خلق این تصویر برای خواننده موفق بوده است. به‌عنوان مثال، نویسنده با انتخاب عنوان «خون دیگران» برای کتاب نیز اشاره به فلسفه‌اگزیستانسیالیست و واکنش آن به جنگ دارد. بنابراین، اساس ساختن تصویر جنگ نزد نویسنده فرانسوی، تکیه بر فلسفه‌اگزیستانسیالیست است که فلسفه رایج سال‌های پس از جنگ بوده و البته می‌توان گفت شرایط اجتماعی و سیاسی نیز در ساختن این تصویر نیز دخیل بوده‌اند. در نتیجه این مقایسه، می‌توان گفت هدف هر دو نویسنده انتقال تصویر مبارزه و فداکاری مبارزینی بوده است که در هنگامه جنگ با تمام وجود به دفاع از مرز و بوم خود پرداخته‌اند. برای این مقوله، می‌توان هم شباهت و هم تفاوت را در نظر گرفت؛ شباهت در تصورات هر دو نویسنده از جنگ و دنبال کردن هدف بازنمایی و مقدس جلوه دادن مبارزات مردمی از خلال هر دو داستان، و تفاوت در شیوه بازنمایاندن این تصویر با تکیه بر اعتقادات و فرهنگ‌های متفاوت دو نویسنده زن در دو مکان جغرافیایی متفاوت است.

۲.۴. تصویر مبارزه از خلال قهرمان‌های هر دو داستان

هدف سیمون دوبووار و سیمین دانشور، بیش از هر چیزی برجسته کردن آیین مبارزه و وطن‌پرستی از خلال حوادث و شخصیت‌های مختلف داستان‌هایشان بوده است. هرچند که هر دو نویسنده تصویر مبارزه را با توصیف تمام شخصیت‌های داستان نشان داده‌اند، ولی نمود بیشتر این تصویر را می‌توان در قهرمانان اصلی هر دو داستان یافت. از این منظر، یوسف و زری، دو قهرمان داستان *سروشون* را با ژان بلومار و هلن، دو شخصیت اصلی داستان *خون دیگران* مقایسه می‌کنیم.

در ادوار مختلف تاریخ و طی جنگ‌های ملل مختلف، بدون شک زنان نیز نقش مهمی را در مبارزات مردمی ایفا کرده‌اند. زنانی که با فداکاری و شجاعتی بدون

وصف در کنار همسرانشان جنگیده‌اند و همیشه تاریخ‌ساز بوده‌اند. وصف این فداکاری‌ها را بیش از هرچیزی می‌توان در ادبیات زنانه جست‌وجو کرد. زنان نویسنده بسیاری، با قلم خود به نقش زنان و حضور آنها در جامعه پرداخته‌اند تا گامی برای احیای هر چه تمام‌تر حقوق زنان در تاریخ بشریت برداشته باشند. در دو داستان پیش‌رو نیز، دو نویسنده زن با خلق دو شخصیت هلن و زری، حضور زنان و نقش آنها در جنگ را به‌خوبی بیان کرده‌اند. زری و هلن، از بسیاری جهات به هم شباهت دارند. زری زنی است که تمام وقت خود را صرف مراقبت از همسر و فرزندانش کرده و نسبت به شرایط نابسامان حاصل از جنگ در جامعه بی‌خبر است. هلن نیز زنی است تنها که در ابتدای داستان، به‌دنبال راهی برای فرار از کسالت و روزمرگی زندگی خود می‌گردد. او عشق به ژان و ازدواج با او را راهی برای بیرون‌آمدن از این روزمرگی می‌یابد. اولین نقطه مشترک بین هلن و زری در ابتدای داستان، تلاش آنها در ممانعت از مبارزه ژان و یوسف برای جنگ است. رفتار این دو بر پایه طبیعت زنانه و نشان‌دهنده علاقه آنها به همسرانشان است، اما مهم‌ترین دلیل برای بروز این رفتار در واقع وابستگی است که در پی غیرمستقل بودن آنها در زندگی به‌وجود آمده بود. سیمین دانشور استقلال‌نداشتن زنان در جامعه ایران آن زمان را بیشتر به چالش کشیده است و سیمون دوبووار نیز احساس پوچی و سردرگمی در میان زنان جامعه فرانسه که به دلیل کم‌رنگ بودن نقش آنها در جامعه به‌وجود آمده بود، را به خوبی نشان داده است. این ممانعت و وابستگی‌ها را می‌توان در گفت‌وگوهای زری و یوسف و همچنین ژان و هلن مشاهده کرد:

- هلن کینه‌توزانه گفت: من به‌خاطر تو هر کاری می‌کنم. دزدی،

جنایت، خیانت.

- ولی ظرفیت قبول کردن خطر مرگ مرا نداری. نه، نمی‌توانی

مرا به این کار مجبور کنی. می‌بینی که ما در حال جنگ هستیم.

(دوبووار، ۱۳۶۸، ص. ۱۶۸)

در این گزیده، هلن سعی دارد ژان را از رفتن به جنگ منصرف کند ولی موفق به این کار نمی‌شود. مشابه همین را در رفتار زری نیز می‌توان دید، زمانی که ملتسمانه از یوسف درخواست می‌کند به مبارزه ادامه ندهد و آرامش زندگی او و بچه‌هایش را از بین نبرد:

زری ناگهان گریه‌اش گرفت. حق‌کنان گفت: چرا باید این همه بدبختی باشد؟ یوسف پنبه‌ها را که روی بالش افتاده بود برداشت، از نو در گلاب خیس کرد، فشار داد و روی چشم‌های زری گذاشت و گفت: مسئول بدبختی‌ها تو نیستی. زری پا شد و نشست و پنبه‌ها در دامنش افتاد و گفت: تو هم نیستی. پس چرا خودت را به خطر می‌اندازی؟ (دانشور، ۱۳۶۰، ص. ۲۲۵)

محدودیت ذهن زری و هلن، باعث بی‌اطلاع‌بودن آن‌ها از شرایط جامعه‌ای بود که درگیر جنگ است. بنابراین در ابتدای رمان، تصویر دنیای بسته زری و هلن را می‌بینیم که با مبارزه و جنگ کاملاً ناآشنا است، اما به تدریج هر دو شخصیت به دیدگاه کاملاً متفاوتی از جنگ و مبارزه می‌رسند که حاکی از تحول آن‌ها در روند داستان است. با توجه به روند داستان، این تغییرات به دلایل مختلفی صورت می‌گیرد؛ ولی مهم‌ترین دلیل این تحول که می‌تواند دومین وجه اشتراک زری و هلن باشد، فروریختن ترس آن‌ها با از دست دادن ژان و یوسف است. پس از کشته شدن مظلومانه یوسف به دست بیگانگان، زری با ترس همیشگی‌اش روبرو می‌شود. ترس از دست دادن یوسف باعث شده بود تا زری نتواند او را در راه مبارزه برای حق یاری کند و در کنارش بجنگد؛ ولی با کشته شدن یوسف، زری که می‌داند از این پس باید مستقل و بدون همسرش زندگی کند، تصمیم می‌گیرد با ادامه راه یوسف در مبارزه با ظلم بیگانگان، ادامه‌دهنده راه او و تمام کسانی باشد که در این جنگ، بی‌گناه کشته شده بودند. نیروهای امنیتی مانع برگزاری مراسم خاکسپاری یوسف در میان مردم می‌شوند، با این حال زری تصمیم می‌گیرد این کار را انجام دهد.

زری گفت: شوهرم را به تیر ناحق کشته‌اند. حداقل کاری که می‌شود کرد عزاداری است. عزاداری که قدغن نیست. در زندگی‌اش هی ترسیدیم و سعی کردیم او را هم بترسانیم. حالا در مرگش دیگر از چه می‌ترسیم؟ آب از سر من یکی که گذشته. (دانشور، ۱۳۶۰، ص. ۲۹۳)

هلن تمام تلاش خود را می‌کند تا مانع رفتن ژان به جنگ شود، اما او تصمیم خود را گرفته است و برای این مبارزه حتی هلن را نیز ترک می‌کند. با جدایی آن‌ها از یکدیگر، هلن تصمیم می‌گیرد زندگی‌اش را جور دیگری و به تنهایی بسازد. هلن نیز با از دست دادن کسی که دوستش دارد، همچون زری ترسی که در خود داشت را از دست می‌دهد، درحالی‌که این اطمینان را به خود می‌دهد که از این پس باید بدون ژان و مستقل زندگی کند. مهم‌ترین نقطه تحول هلن زمانی رخ می‌دهد که سربازان آلمانی فرزند یک زن یهودی را از او جدا می‌کنند و او با دیدن این صحنه و کشته شدن هزاران بی‌گناه دیگر، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و برای اولین بار به معنی جنگ و اهمیت به وجود «دیگری» در زندگی هر فرد پی برد. هلن به این فکر می‌کند که تا به حال چه جایگاهی در این مبارزات داشته و از این پس چه نقشی خواهد داشت.

[...] مأمور پلیس روت را روی رکاب یکی از اتوبوس‌های سمت راست گذاشت. روت فریاد می‌کشید و در داخل اتوبوس چندین کودک دیگر با او هم‌آواز شده بودند... هلن با ناامیدی فکر می‌کرد... ولی او هم مثل بقیه همین‌طور بی‌حرکت ایستاده و تماشا کرده بود. او آنجا بود ولی حضورش تغییری به بار نیاورده بود. (بووار، ۱۳۶۰، ص. ۲۲۲-۲۲۳)

بنابراین زری و هلن دو نقش اصلی و تکمیل‌کننده را در مبارزه ژان و یوسف ایفا می‌کنند در حالی‌که هر دو داستان با توصیف مبارزه آن‌ها به پایان می‌رسند. تفاوت مبارزه زری و هلن در پایان کتاب نشان از تفاوت فرهنگی و دیدگاه هر دو نویسنده نسبت به زنان در مواجهه با جنگ است. در انتهای داستان، هلن به گروه‌های

مقاومت مردمی می‌پیوندد و در نهایت در حین انجام عملیات کشته می‌شود. اما در مبارزه زری نشانی از اسلحه یا گروهک‌های مقاومتی نمی‌بینیم، بلکه او با شجاعت در مقابل زورگویی بیگانگان می‌ایستد تا به بهانه خاکسپاری یوسف مردم را به مبارزه‌ای جمعی و انتقام کشته‌شدگان فرا خواند. هدف هر دو نویسنده در به تصویر کشیدن مقاومت زنان در جنگ، نشان دادن نقش واقعی زنان و تأثیر آن‌ها در شرایط سختی همچون جنگ، و مهم‌تر از آن شکستن تصویر سنتی زن در جامعه و ارائه تصویری جدید از اوست.

همان‌طور که اشاره کردیم، داستان بر محور مبارزه دو شخصیت اصلی یعنی یوسف و ژان می‌چرخد. می‌توان گفت سرچشمه تحول زری و هلن نیز از این دو فرد سرچشمه گرفته است. ژان و یوسف دو الگوی اصلی نویسنده‌ها برای خواننده هستند. وجه تشابه یوسف و ژان این است که هر دو جزئی از قشر تحصیل کرده و مرفه جامعه هستند ولی با این حال در جریان جنگ با اقشار ضعیف جامعه همسو می‌شوند؛ زیرا نامناسب بودن شرایط اجتماعی بیشتر گریبان‌گیر اقشار پایین جامعه است. ولی تفاوتی که بین یوسف و ژان وجود دارد، متفاوت بودن مسیر آن‌ها در جریان مبارزات مردمی است. ژان با ترک خانواده و طبقه اجتماعی خود، به گروه‌های مبارزه مردمی می‌پیوندد زیرا معتقد است تا در میان مردم نباشیم، نمی‌توانیم شرایط آن‌ها را به خوبی درک کرده و در کنار آن‌ها مبارزه کنیم. انتخاب او برگرفته از این ذهنیت بود که هر فردی در قبال خود و اطرافیانش مسئولیتی دارد که باید به آن عمل کند، بنابراین دوستانش را نیز در این مبارزه شریک می‌کند: «دوستانش را جمع کرد، یکی بعد از دیگری و به آن‌ها گفت: اگر ما با هم متحد شویم دیگر تنها نیستیم، اگر بجنگیم شکست خورده نیستیم. تا وقتی ما زنده هستیم، دیگران هم خواهند بود» (بووار، ۱۳۶۸، ص. ۱۶۸).

در حالی که یوسف با استفاده از موقعیت اجتماعی خود به مبارزه علیه بیگانگان می‌پردازد ولی ذهنیت او نیز با ژان هم‌خوانی دارد؛ اینکه همه ما در قبال یکدیگر مسئولیم. یوسف معتقد است اختلاف طبقاتی مانع همدلی اقشار مختلف یک جامعه

نیست. همه تلاش یوسف در این است که با نفروختن محصول خود به بیگانگان، آن‌ها را به فقرای شهر بدهد تا از گرسنگی و بیماری جلوگیری کند. در نتیجه، به جای فرار از طبقه اجتماعی خود، از آن به نفع دیگران استفاده می‌کند. علاوه بر این سایر دوستانش را نیز مجاب می‌کند تا با نفروختن محصول خود به ارتش بیگانه، در جنگ میان کشورهای بیگانه شریک نشوند. «یوسف پدرانہ گفت: جنگ آن‌ها میان خودشان است. به ما چه مربوط؟ هیتلر از قاره خودشان است. خودشان پروارشان کردند. بگذارید خودشان هم تقاص پس بدهند. تقاص همه چیز را» (دانشور، ۱۳۶۰، ص. ۵۴).

با وجود تفاوتی که در مسیر مبارزه ژان و یوسف وجود دارد، هر دو به دنبال جلوگیری از چپاول بیگانگان و حمایت از هم‌نوع خود در مقابل آن‌ها هستند. ژان در گروه‌های مبارز سیاسی، در عملیات‌های مختلف شرکت می‌کند در حالی که یوسف مخالف احزاب سیاسی است ولی با این حال به ایده‌های آن‌ها احترام می‌گذارد. سیمون دوبووار و سیمین دانشور، عقاید خود در رابطه با مبارزه و جنگ را در شخصیت‌های اول داستان خود منعکس کرده‌اند تا از خلال این تصاویر، خواننده را با ذهن خود و تاریخ جنگی بزرگ پیوند دهند.

۴. ۳. شرایط اجتماعی و سیاسی ایران و فرانسه در سال‌های جنگ

در هر جنگی که رخ می‌دهد، شرایط سخت زندگی در جامعه می‌تواند یکی از مهم‌ترین دلایل نابودی یک کشور باشد. در میان تصاویری که دانشور و بووار از جنگ به خواننده منتقل کرده‌اند می‌توان شرایط اجتماعی و سیاسی را نیز اضافه کرد. در هر دو داستان، شرایط مردم از نگاه شخصیت‌های داستان توصیف شده است. در پاریس و شیراز، مردم در شرایط سختی زندگی می‌کنند و از مشکلاتی چون قحطی، بیماری، نبود بهداشت و فساد اقتصادی و سیاسی رنج می‌برند. در نگاه اول، ما جنگ را تنها از سلاح و مبارزه در میدان‌های جنگ می‌شناسیم، در حالی که این پدیده تمام ارکان یک جامعه را تهدید می‌کند. در کنار کشته شدن هزاران نفر در جبهه‌های جنگ، فرصت‌های مناسب زندگی نیز برای مدت‌های طولانی از مردم کشورهای درگیر

جنگ سلب می‌شود. سیمون دوبووار در بخش‌های پایانی کتاب شرایط مردم پاریس را از نگاه هلن توصیف می‌کند. از بین رفتن زمین‌های کشاورزی و کمبود مواد غذایی در سال‌های اشغال، مردم مجبور به مهاجرت و رفتن به شهرها یا کشورهای مجاور می‌شدند. هلن درحالی‌که تصمیم گرفته است پس از جدایی از ژان به‌همراه دوستانش از پاریس فرار کند، این شرایط را این‌گونه توصیف می‌کند:

کامیون مملو از بنزین، بدون برخورد با هیچ مانعی، در جاده صاف و هموار که در بعضی قسمت‌های آن گودالی در اثر سقوط بمب ایجاد شده بود، پیش می‌رفت. همین‌طور که پیش می‌رفتند، اتومبیل‌های واژگون شده و سوخته را می‌دیدند و قبرهایی که صلیبی روی آن‌ها نصب شده بود. صف بی‌انتهای جمعیت در ارابه‌های کاه، سوار بر دوچرخه و بعضی‌ها هم پای پیاده، هنوز به راه خود ادامه می‌دادند. از داخل شهری عبور کردند، سقف خانه‌ها در اثر اصابت بمب خراب شده بود، دو ردیف خانه به کلی سوخته بودند و جلوی دیوارهای لخت و سیاه، توده‌های آهن در هم پیچیده ریخته شده بود. فرار، رنج و مرگ، در تمام این مدت، سربازان جوان و قوی، آوازخوانان در ماشین‌های خاکستریشان می‌گذشتند.

(دوبووار، ۱۳۶۸، ص. ۱۹۷)

علاوه بر این، توصیفات بسیار دیگری نیز از شرایط مردم پاریس در آن سال‌ها به تصویر کشیده شده است که مجال بیان همه آن‌ها در این بحث نمی‌گنجد. دیدن این شرایط یکی از اصلی‌ترین دلایل هلن برای پی‌بردن به مفهوم «دیگری» بود. در زمان سوشون نیز از نگاه زری می‌توان اوضاع شهر را مشاهده کرد. زری که تا آن زمان شرایط شهر را از نزدیک ندیده بود، اکنون با آن روبرو می‌شود. زمانی‌که برای بردن غذا به دیوانه‌خانه و زندان می‌رود، با دیدن مردمی که درگیر هزاران بیماری همچون تیفوس و قحطی هستند، به بلاهایی که با دخالت جنگ گریبان‌گیر مردم شهرش شده است پی می‌برد.

بیماران دیگر حتی از هسته‌های زردآلو و هلو نمی‌گذشتند. با دندان یا با قلوه‌سنگ هسته‌ها را کف اتاق می‌شکستند، پوست می‌کنند و می‌خوردند. به‌قول مدیر داخلی با روزی یک تومان جیره هر مریض، چه قوت حسابی گیر دیوانه‌ها می‌آمد؟ که بیشترشان هم از بی‌قوتی دیوانه شده بودند. (دانشور، ۱۳۶۰، ص.

(۱۰۸)

دانشور و بووار با ساختن تصاویری دقیق و جزئی از شرایط دو جامعه جنگ زده، خواننده را با شخصیت‌های داستان خود همسو و هم‌داستان کرده‌اند. در هر دو داستان تصاویر مشابهی از اوضاع کشورهای را می‌بینیم که مردم آن با وجود تمام مشکلات و رنجی که برده‌اند، چگونه تا آخرین قدم از خاک خود دفاع کرده‌اند. هدف دیگر هر دو نویسنده از ساختن این تصاویر که بر پایه واقعیات زندگی در دوران جنگ ترسیم شده‌اند، نشان‌دادن تصویر سیاه و پلید جنگ است که همه‌چیز را با خود نابود می‌کند. در ساختن این تصویر، سیمین دانشور با ذکر جزئیات بیشتری از آن زمان، هدف دیگری را نیز دنبال می‌کند. او قصد دارد نشان دهد که با وجود بی‌طرف بودن ایران در زمان جنگ جهانی، چگونه قدرت‌های بیگانه و استعمارگری همچون انگلیس، فرصت را غنیمت شمرده‌اند تا به بهانه جنگ به چپاول منابع و ثروت کشور بپردازند. در بخش‌هایی از کتاب، در لایه‌ای پنهان و رمزی‌وار، به استعمارگری انگلیس در ایران نیز اشاره کرده، این شرایط را ناشی از ضعف دولت‌مردان و سیاست غلط آن‌ها می‌داند. «در نتیجه دانشور به دنبال نشان‌دادن چهره واقعی استعمار است و آن را یکی از بلاهایی می‌داند که همراه با جنگ به جامعه ایران وارد شده بود. یکی از بارزترین تأثیرات حضور استعمارگران در ایران، وجود فردی به نام زینگر^۱ بود، که با ورود چرخ خیاطی به ایران، سعی داشت به اقتصاد کشور لطمه وارد کند» (اسحاقیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۸-۱۹)

اَقْلَکُم هفده سال می شد که به شیراز آمده بود و هنوز فارسی درستی نمی دانست. هرکس چرخ خیاطی سینگر می خرید، خود مستر زینگر با آن قد و بالای غول آسا، مفت و مجانی ده جلسه درس خیاطی به او می داد (دانشور، ۱۳۶۰، ص. ۶).

سیمین دانشور در رابطه با این موضوع می گوید: «من در این کتاب استعمار انگلیس را واقعاً لمس کردم. انگلیسی ها هستند که یوسف را می کشند چون تحمل جواب منفی را ندارند. آن ها چرخ خیاطی زینگر را می آورند؛ یعنی با ورود فناوری، استعمار قوی تر می شود» (دانشور، به نقل از قبادی، ۱۳۸۳، ص. ۴۸).

۵. نتیجه گیری

از آغاز تاریخ تاکنون، جنگ های بسیاری رخ داده که گاهی در تغییر سرنوشت یک ملت دخیل بوده اند. با وجود تلاش های بسیاری که برای ریشه کن کردن این پدیده در سراسر جهان انجام شده است، اما آثار آن همچنان در زندگی بعضی جوامع کنونی وجود دارد. بزرگ ترین جنگ هایی که در قرن اخیر رخ داده دو جنگ جهانی اول و دوم است که تلفات و خسارات بسیاری را در سراسر جهان بر جای گذاشته اند. در این میان، ادبیات در اعصار مختلف تاریخ، نقش سازنده ای در آگاهی دادن به مردم از پدیده های اجتماعی همچون جنگ داشته است. در این زمینه نویسندگان بسیاری ظهور کرده اند که با قلم خود در کنار مردم جنگیده و تاریخ یک نسل را به آیندگان آن ها شناسانده اند. بنابراین در شناخت این پدیده نمی توان از نقش تعیین کننده ادبیات غافل ماند. اولین هدف این نوشتار رسیدن به فهم درستی از جنگ از خلال آثار ادبی در ادبیات دو سرزمین متفاوت بوده است. نشان دادیم که چگونه دو نویسنده زن با تکیه بر اعتقادات و فرهنگ کشورشان، داستان هایی خلق کرده و توانسته اند با قلم خود تصویری از یک جنگ مشترک جهانی در دو مکان جغرافیایی دور از هم را به خواننده منتقل کنند.

راه یافتن یک خواننده به تاریخ و ادبیات یک کشور نیز یکی از اهداف ادبیات تطبیقی است که راه را برای رسیدن به افق دید بازتری در زمینه های مختلف هنر و

ادبیات هموار می‌کند. بر همین اساس در پاسخ به اولین پرسش، تلاش کرده‌ایم تا با روشی تطبیقی و براساس شاخه تصویرشناسی تصاویر مشابه و متفاوت در دو رمان خون دیگران و سووشون را از یکدیگر تمیز دهیم. تصاویر مشترکی همچون شرایط اجتماعی مردم در شهرهای پاریس و شیراز که تحت سلطه بیگانگان قرار داشتند، یا برجسته کردن تصویر مبارزه که در واقع مضمون اصلی و مشترک هر دو کتاب نیز است. شیوه متفاوت مبارزه در شخصیت‌های هر دو داستان نیز یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این مقایسه است که توضیح دادیم این تفاوت به دیدگاه دو نویسنده از جنگ و فرهنگ جامعه آن‌ها مربوط می‌شود. با وجودی که نویسندگان این دو اثر با تفکر و اعتقاداتی متفاوت به توصیف جنگ پرداخته‌اند ولی شباهت‌های بین این تصاویر به دست آمده، بیش از تفاوت‌های آن است. بنابراین هر دو نویسنده، با ارج نهادن عنصر مهم مبارزه و تقبیح جنگ، تصویر آن را از ورای فاصله‌های جغرافیایی و فرهنگی به خوانندگان خود منتقل کرده‌اند. بدین ترتیب، خواننده‌ای که جنگ را تجربه نکرده است، می‌تواند از خلال هر دو داستان به تصویری کلی از جنگ در جامعه خودی و «دیگری» دست یابد. در پاسخ به پرسش دوم این بحث نیز می‌توان گفت بررسی تصویر این جنگ از دیدگاه دو نویسنده زن، یکی دیگر از اهداف ما برای نشان دادن نقش ادبیات زنانه و زنان در پدیده اجتماعی بزرگی همچون جنگ است. نشان دادن تصویری از زنان جوامع ایران و فرانسه در دوران جنگ از خلال شخصیت‌های زنانه داستان، یکی دیگر از نقاط مشترک دو نویسنده برای رسیدن به تصویر ایده‌آل زنان در جامعه و نشان دادن نقش تأثیرگذار آن‌ها در روند تاریخ جهان بوده است. در واقع سیمین دوبووار و سیمین دانشور توانسته‌اند با توصیف جنگ در بستری داستانی عقاید و فرهنگ ملی خود در مواجهه با این پدیده را به خواننده منتقل کرده‌اند. انتقال این تصاویر و آشنایی با قلم و ادبیات نویسندگان سایر کشورها بر عهده ادبیات تطبیقی است که در این گفتار با بررسی تصاویر ساخته شده از یک مضمون مشترک در ادبیات خودی و دیگری، بر این نقش تأکید شده است.

کتابنامه

- اسحاقیان، ج. (۱۳۹۳). *داستان شناخت ایران؛ نقد و بررسی آثار سیمین دانشور*. تهران: نگاه.
- انوشیروانی، ع. (۱۳۸۹). ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران. *ویژه نامه ادبیات تطبیقی*، ۱(۱)، ۶-۳۸.
- بزرگ بیگدلی، س.، قبادی، ح.، و صالح، ح. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل جنگ جهانی دوم دو رمان سووشون و المصایح الزرق. *فصلنامه مطالعات نقد ادبی*، ۱۱(۴۲)، ۱۰۹-۱۳۸.
- پراور، ز. س. (۱۳۹۳). *درآمدی بر ادبیات تطبیقی*. ترجمه علیرضا انوشیروانی و مصطفی حسینی. تهران: سمت.
- ترابی، ض. (۱۳۸۹). *آشنایی با ادبیات مقاومت جهان*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- جمالی، ل.، و جوانمرد، ر. (۱۳۸۸). مقایسه نمودهای جنگ در رمان سووشون سیمین دانشور و رمان اسیر خشکی‌ها اثر دوریس لسینگ در پرتو نقد زنانه شوالتر. *فصلنامه ادبیات تطبیقی*، ۳(۱۱)، ۵۹-۸۱.
- حدیدی، ج. (۱۳۷۳). *از سعدی تا آراگون*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دانشور، س. (۱۳۶۰). سووشون. تهران: خوارزمی.
- دانشور، س. (۱۳۷۵). *شناخت و تحسین هنر*. تهران: کتاب سیامک.
- دستغیب، ع. (۱۳۹۱). *دریچه نقد*. تهران: خانه کتاب.
- دو بووار، س. (۱۳۶۸). *خون دیگران*. ترجمه مهوش بهنام. تهران: پرواز.
- دهباشی، ع. (۱۳۸۳). *بر ساحل جزیره سرگردانی (جشنواره سیمین دانشور)*. تهران: سخن.
- دیکلو، ن. (۱۳۸۹). بررسی مقایسه‌ای ادبیات جنگ و ساختار آن در کشورهای ایران و فرانسه. *کتاب ماه ادبیات*، ۲۶، ۱-۵.
- شرکت مقدم، ص. (۱۳۸۸). *تطبیقی مکتب‌های ادبیات*. *فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی*، ۳(۱۲)، ۵۱-۷۱.
- صالح‌بک، م.، و نظری مقدم، م. (۱۳۸۷). ادبیات تطبیقی در ایران: پیدایش و چالش‌ها. *فصلنامه زبان و ادب پارسی*، ۳۸، ۹-۲۸.
- علیجانی، م.، قبادی، ح.، و بزرگ بیگدلی، س. (۱۳۹۳). تحلیل اسطوره‌ای رمان سووشون با نگاه به تأثیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی*، ۱۰(۳۴)، ۱۹۳-۲۱۸.

- قبادی، ح. (۱۳۸۳). تحلیل درون‌مایه‌های سووشون از نظر مکتب‌های ادبی و گفتمان‌های اجتماعی. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۳، ۴۱-۵۴.
- میرعابدینی، ح. (۱۳۶۹). *صد سال داستان نویسی در ایران*. تهران: تندر.
- نامورمطلق، ب. (۱۳۸۸). درآمدی بر تصویرشناسی؛ معرفی یک روش نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی. *فصل‌نامه مطالعه ادبیات تطبیقی*، ۳(۱۲)، ۱۱۹-۱۳۸.

- Fell, A. S. (2009). *Les femmes face à la guerre* (French and francophone women facing war). New York, NY: Peter Lang.
- Gennari, G. (1958). *Simone de Beauvoir*. Paris, France: Editions Universitaires.
- Montandon, A. (1997). *Mœurs et images; Études d'imagologie européenne*. Clermont-Ferrand: Éditeur Presses universitaires Blaise Pascal.
- Moura, J. M. (1999). *L'imagologie comparatiste, in Littérature comparée; Théorie et Pratique*. Paris, France: Honore Champion.

پیوست ۱

چکیده رمان خون دیگران

ژان بلومار، فرزند رییس یکی از چاپخانه‌های پاریس است. ژان از اینکه از طبقه مرفه جامعه است احساس گناه می‌کند و به همین دلیل تصمیم می‌گیرد از خانواده‌اش جدا شده و به اتحادیه‌های کارگری بپیوندد. در جریان اعتراضات به نظام سرمایه‌داری در پاریس، یکی از دوستان خود را از دست می‌دهد و پس از این حادثه تصمیم می‌گیرد از مبارزه دست بکشد چراکه خود را مسئول مرگ او می‌داند. پس از دو سال و در آغاز جنگ جهانی دوم، به اصرار دوستانش وارد گروه‌های مبارز کمونیستی در پاریس می‌شود. در همین زمان با زنی به نام هلن آشنا می‌شود و پس از مدتی با وجود عشقی که بین آن دو شکل گرفته است، چون هلن را مانعی در راه مبارزاتش می‌داند، او را ترک می‌کند. هلن پس از جدایی، با دیدن شرایط آشفته شهر در زمان اشغال توسط ارتش نازی، تصمیم می‌گیرد وارد حزب مبارزان شود و در کنار ژان نقش خود را در این جنگ تکمیل کند که در نهایت در یکی از عملیات کشته می‌شود.

پیوست ۲

چکیده رمان سووشون

داستان درباره یوسف و همسرش زری است و در شیراز روی می‌دهد. یوسف مالک است، اما نه از آن مالکانی که با کمک دولت و قانون، خون رعایا را می‌مکند تا زندگی آسوده‌ای برای خود فراهم آورند، بلکه مالکی تحصیل کرده و مخالف بیدادگری و استعمار است. او از فروش غلات حاصل املاک خود به نیروهای انگلیسی که در زمان جنگ جهانی دوم، جنوب ایران را اشغال کرده بودند، خودداری می‌کند و با وابستگی دولت به نیروهای استعماری مخالفت می‌ورزد و در این مبارزه کشته می‌شود. زری نیز زنی تحصیل کرده است و آرمان‌های اجتماعی دارد ولی با تندرستی‌های همسرش مخالف است و در طول تمام مبارزات او، مدام در وحشت به

سر می‌برد؛ از این رو می‌کوشد همسرش را به اعتدال و مدارا ترغیب کند. اما سیر رویدادها در جهت مخالف خواست و امید او در حرکت است. سرانجام دشمنان یوسف را می‌کشند و زری در اندوه از دست دادن او به سوگ می‌نشیند (دستغیب، ۱۳۹۱، ص. ۸۸۴).